

نگاهی به آثار برجای مانده یکی از بانوان واقف نسخه‌های خطی در گنجینه آستان قدس رضوی

میراث ۱۴۰ نسخه‌ای «تاجماه بیگم»

امید حسینی نژاد؛ سال ۴۰۷ قمری بانو «حکیمه ستی بنت الحسین» چند جزوه قرآنی نفیس را وقف آستان حضرت‌رضا^(ع) می‌کند. پس از او نیز در یکی از سال‌های قرن ۶ قمری، زنی هنرمند از تبار اشراف‌زادگان تصمیم می‌گیرد قرآنی نفیس را وقف آستان حضرت رضا^(ع) کند. این کار نیکو تنها تصمیم «زمرد ملک، دختر سلطان محمود و خواهرزاده سلطان سنجر سلجوقی نبوده، زیرا که او از جمله زنانی است که به ساختن بناهای عام‌المنفعه نیز توجه زیادی نشان می‌داده است. از زمرد ملک آثار وقفی دیگری مانند کاشی‌های هشت ضلعی و برخی آثار تزیینی در حرم حضرت‌امام رضا^(ع) به یادگار مانده که شاهدهی است بر اهمیت وقف در میان بانوان مسلمان. یادگارهایی که اکنون چون گنجینه‌ای در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شوند. در واقع بررسی تاریخچه وقف در اسلام نشان می‌دهد که در طول دوره‌های تاریخی، بانوان واقف بسیاری وجود داشته‌اند که بر وقف‌های فرهنگی مختلفی- از ساخت مدارس علوم دینی بگیرید تا نسخه‌های خطی و کلام ا...- مجید- تاکید کرده‌اند که «تاجماه بیگم» یکی از آنان است.



تصویر دو نسخه خطی اهداشده توسط تاجماه بیگم

● وقف نسخه‌های خطی
پیش از آنکه از بانوان واقف نسخ خطی یاد کنیم، خوب است‌گریزی‌بزنیم‌به‌روایت قدیمی‌ترین‌قرآن‌وقف‌شده به آستان ملائک پاسبان حضرت رضا^(ع). این قرآن که یکی از مهم‌ترین نفایس گنجینه نسخ خطی آستان قدس محسوب می‌شود، توسط‌والی اصفهان،کشوادین املاس، در سال ۳۲۷ قمری وقف این کتابخانه شده و این نسخه نفیس، قدیمی‌ترین اثر مکتوب این گنجینه است. کشواد بن املاس یک دوره جزوه قرآنی را هم وقف بقعه منوره رضویه کرده که سه جزوه آن در مرکز نسخ خطی گنجینه رضوی موجود و وقف‌نامه‌آن به خط زیبای این هنرمند خوشنویس است. این نسخه که از حیث کتابت و آرایه‌های هنری بی‌همتاست عمری به درازای ۱۱۱۴ سال دارد.

● واقفان زن در کتابخانه آستان قدس رضوی

اما در میان فهرست نام واقفان گنجینه نفیس آستان قدس رضوی نشان زنانی که نسخه‌های خطی را به این کتابخانه وقف کرده‌اند بسیار دیده می‌شود، یکی از این افراد «تاجماه بیگم» دختر میرزا عیسی قائم مقام مشهور به سیدالوزرا است.

تاجماه بیگم کیست؟

درباره پیشینه آبا و اجدادی این بانو باید چنین توضیح داد: میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم مقام اول، از سادات حسینی و پسر میرزا حسن، پسر میرزا عیسی فراهانی معروف به سیدالوزرا، وزیر آذربایجان بوده است. خاندان قائم مقام از دوران صفویه و زندیه در کار دیوان و سیاست بوده و از ملاکان بزرگ مملکت

نجواهای یک ارادت بی‌پایان

زینبی‌ادر بزم یار که باشی، حتی جاروکشی می‌تواند حکایت عاشقانه‌ای باشد که نجواهای درون را به خش‌خشی بی‌انتهای بر روی زمین بدل می‌کند. آنچه زائران می‌بینند آدمی است که ردای خادمی پوشیده و صحن و سرای حضرت را می‌روبید اما آنچه دیده نمی‌شود ارادتی است که در قلب غلیان دارد و تمام نمی‌شود.

فتو حرم



متن وقف‌نامه تاجماه بیگم

هو الواقف علی الضمائر، وقف موبد و حبس مخلد شرعی نمودند - تقریبا اِلی ا... و طلبا لمرضاته - علیاجتاب، طهارت و خدارت انتساب، قمرنقاب، خورشید احتجاب، بلقیس زمان و مریم عهد و اوان، فخر المستورات المعظمه، عمدة المخدرات المحترمه، پرده نشین سradasات عزت و جلال، خلوت‌گزین جمال سعادت و اقبال، طائفة بیتا... و زائرة الرکن و المقام، السیدة الجلیلة المکرمة، حاجیه تاجماه بیگم - دامت آیام اقتدارها به این جلد کتاب شرح تجرید را به انضمام یکصد و چهل جلد دیگر کتب موروثی سرکار خلد اشیان، فردوس مکان، برادر افخم خود، حاجی میرزا موسی خان طاب سره _ را که در حال حیات منظور نظر آن جناب غفران مآب، مرحوم میرور و قفیت کتب مزبوره بر آن مسطوره می‌برد. لهذا حسب‌المنظور جناب مرحوم بر سرکار فیض آثار السید المعصوم والامام المظلوم، الشهید المسموم والغریب المعغوم، عالم علم المکتوم، بدر النجوم، شمس الشموس و انیس النفوس، المدفون بأرض طوس، الرضا المرتضی المجتبی، امام الجن والانس علی بن

سیاسی درباره غصب و حیف و میل شدن املاک و نیز از دست دادن پشتیبانی خانوادگی، باعث تأسیس این نهادهای وقفی و اسباب این حرکت شده است. در واقع تاجماه بیگم برای ایمنی بخشیدن به مالکیت خصوصی خود و در عین حال داشتن قدرت و فرصت بیشتر در تملک و اداره املاک، به انجام این وقف اقدام کرده است. او و برادرش موسی خان املاک و مستغلات و نسخه‌های خطی را نیز وقف آستانه مقدسه رضویه کرده‌اند که از جمله آن‌هاست: دو رشته قنات و چند نهر از زاینده‌رود. ناگفته نماند، تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی و در رواق پشت سر در کنار برادرش

موسی خان مدفون شده است.
● وقف ۱۴۰ نسخه خطی به کتابخانه آستان قدس
تاجماه بیگم در شعبان ۱۲۶۲ قمری کتاب‌های برادرش موسی خان را وقف کتابخانه سرکار فیض آثار نموده‌است. در وقف‌نامه حاضر شمار یکصد و چهل مجلد کتاب وقف کتابخانه آستان قدس رضوی شده است. البته برخی از تذکرة نویسان شمار کتاب‌هایی را که وی وقف کتابخانه آستانه کرده است، بیش از این دانسته‌اند. وقف‌نامه حاضر در حاشیه برگ اول نسخه خطی کتاب «شرح تجرید الاعتقاد» به شماره ۱۶۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی قرار دارد.



تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

تاجماه بیگم در حرم مطهر رضوی

نفی بلدِ عبدالحسین که می‌خواست کارخانه‌روشنایی راویران کند



او را مظفرالدین شاه) زمّت می‌فرمایند که چرا، از خارج مذهبی (منظور مظفرالدین شاه است) باید مشغول خدمت کارخانه چراغ حضرتی باشد و در و دیوار و صحن را از این روشنایی آلوده کند.

کم کم این مقالات به جایی رسید که عوام خام به خیالات افتادند، نزدیک بود که مردم فتنه و آشوب و بلوایی برپا نمایند و بروند و کارخانه این چراغ را خراب و ویران نمایند. حسب الامر ایالت کبری (منظور پایتخت است) جناب آقا میرزا علی فراشبازی، عبدالحسین اصفهانی را در ارگ حکومتی حاضر کرده و او را در ليله چهارم شهر جمادی الثانی، نفی بلد (تعیید) کردند و همراه چند نفر غلام روانه قلعه کلات فرمودند تا دیگر مفسدین و متنفقین (نفاق کنندگان) عبرت گیرند. حکم، شده عبدالحسین در تمام عمر در آن قلعه مشغول به عبادت باشند،

اخبار حرم

مردم یا بهتر است بگوییم برخی عوام خرافه‌شنو، در گذشته سخت بافتآوری کنار می‌آمده‌اند. یکی از این نمونه‌ها را می‌توان در خبری

دید که روزنامه-شریا، به تاریخ اول رجب ۱۳۲۱ هجری قمری چاپ و منتشر کرده‌است. در این خبر که گویا چندی بعد از ورود برق به حرم مطهر امام‌رضا^(ع) درج شده، خبرنگوس روایت مردی را سباه کرده که چراغ برق را مایه نحسی و نجسی می‌دانسته‌است و شبی در حرم بلوای می‌کند تا مردم را به قصد خراب کردن کارخانه‌روشنایی حرم مطهر بشورانند، اما موفق نمی‌شود.

در این جریده آمده‌است: «عبدالحسین نام اصفهانی که مدتی است به ارض اقدس آمده و در مدرسه پایین و جنب صحن کهنه منزل کرده، بر اقتضای عادت هرزه‌گویی، شب در صحن متبرکه، مردم را موعظه کرده و از چراغ‌های کهربایی الکتریک که تازه و محض شکوه و روشنایی در صحن مبارک احداث شده و از طرف دولت علیه، مبالغی خطیر صرف مخارج این کار گردیده، بد می‌گوید.

جناب عبدالحسین خان همچنین کتبیبه‌ای را که رئیس کارخانه‌روشنایی محض زینت‌واظهار خدمت، زحمتی کشیده و نوشته (منظور این بیت است: شهبی که شمع حریمش فروغ مشعل ماه/ چراغچی سزد

تاریخ حرم

محوریت حرم مطهر در نهضت امام خمینی (ع)



بیات

بررسی تاریخ معاصر نشان از آن دارد که مردم مشهد همواره حرم مطهر امام‌رضا^(ع) را کانون مبارزات خود علیه استبداد و استکبار قرار داده‌اند. آن‌ها در اعتراض به امتیازنامه رژی در جوار حرم و در مسجد گوهرشاد اجتماع می‌کنند، به دنبال حوادث دوران استبداد صغیر بار دیگر در حرم متحصن می‌شوند، در دوران رضاخان و واقعه گوهرشاد نیز، حرم مطهر امام‌رضا^(ع) همچنان محلی برای دادخواهی مردم محسوب می‌شود. در نهضت امام خمینی^(ع) نیز مردم حرم مطهر امام‌رضا^(ع) را بهترین مکان برای مبارزه می‌دانند و در مواقع حساس نهضت به حرم پناه می‌برند و مبارزات خود را از این پایگاه و حول آن سامان می‌دهند. در چهار شماره متوالی برخی نمونه‌های تاریخی از این نقش‌آفرینی را بررسی کرده‌ایم که اینجا آخرین قسمت آن و نقش محوری حرم مطهر در نهضت امام خمینی^(ع) را خواهید خواند.

با آغاز نهضت امام خمینی، مردم حرم مطهر امام‌رضا^(ع) را بهترین مکان برای مبارزه و گسترش مبارزات خود می‌دانند. از سوی دیگر رژیم هم که پی به تأثیر حرم مطهر در مبارزه مردمی برده است، سعی می‌کند در مواقع حساس و بزنگاه‌های نهضت مانع از ورود مردم به این مکان مقدس شود. برای نمونه به دنبال تبعید امام خمینی^(ع) و دستگیری آیتا... حسن ققی، طلاب مشهد تصمیم می‌گیرند با تحصن در مسجد گوهرشاد صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند که با کنترل شدید از پیش تعیین شده مأموران حکومت، بازداشت گروهی از وعاظ واهل منبر و بستن درهای مسجد گوهرشاد از ۱۵ تا ۱۸ خرداد ۱۳۴۲ این جلسه و اقدام طلاب لغو می‌شود.

رهبر معظم انقلاب که قرار بوده سخنران این مجلس باشد، در شرح خاطراتش می‌گویند: «صبح بلند شدیم برویم مسجد گوهرشاد، میهمانی‌داشتیم آن روزها از علمای تریز به اسم آقای نصرا... شبستری... قبل از اذان رفته بود حرم. ایشان را نگذاشته بودند [وارد شود]... معلوم شد که از پیش از اذان صبح پاسبان و نظامی... تمام حرم را احاطه کردند... از در بازار پاسبان ایستاده، هیچ کس را اجازه نمی‌دهند که عبور کند... نقشه ما به این ترتیب خنثی شد.»

با وجود ایجاد این فضای پلیسی در سال‌های بعد، شواهد فراوانی از رجوع و تحصن مردم در حرم مطهری رضوی وجود دارد که این روند در روزهای منتهی به انقلاب گسترده‌تر نیز می‌شود به‌طوری‌که مردم مشهد همیشه بخشی از همایش‌ها و تظاهرات خود را در حرم مطهر برپا می‌کنند. نمونه‌اش در روز ۲۹ آبان ۱۳۵۷ است که عده‌ای از تظاهرکنندگان در صحن عتیق به هنگام ورود به صحن نو با پرتاب سنگ، تابلونئون آگاهی حرم را می‌شکنند. به دنبال این اتفاق مأموران رژیم پهلوی نیز به حرم مطهر حضرت رضا^(ع) هجوم می‌برند که در نتیجه درگیری آنان و مردم چند نفر به شهادت می‌رسند و تعدادی نیز زخمی می‌شوند. در این بازه حتی مراسم مذهبی مردم مشهد نیز که حوالی حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود، به راهپیمایی و اعتراض بدل می‌شوند. نمونه‌اش در ۱۹ و ۲۰ آذر ۱۳۵۷ و هم‌زمان با تاسوعا و عاشورای حسینی است که اجتماع مردم به راهپیمایی‌های بزرگی بدل می‌شود که در هر دو نوبت در حرم خاتمه و نتیجه می‌یابد. رهبر معظم انقلاب که بنا بر گزارش ساواک به عنوان یکی از پرچمداران برجسته انقلاب در خراسان شناخته می‌شود، سخنرانی پرشوری در اجتماع بزرگ راهپیمایان مشهد در روز تاسوعا ایراد می‌کند و خطبه شب عاشورا را نیز در حرم مطهر امام‌رضا^(ع) به نام امام خمینی^(ع) می‌خواند، خطبه‌ای که هرسال به‌صورت تشریفاتی و با دعا برای محمدرضا پهلوی خوانده می‌شد. خود ایشان آن روزها را چنین نقل کرده‌اند «راهپیمایی‌ها تاروز تاسوعا ادامه داشت. در این روز حوادث گوناگونی در مشهد رخ داد که بعضا تازگی داشت. از آن جمله بود سقوط پایپی مجسمه‌های رضا و محمدرضا پهلوی و خوانده شدن خطبه شب عاشورا به نام امام خمینی، ساعت سه بعد از ظهر تاسوعا بود که شماری از مردم عکس‌های شاه را از صحن پهلوی پایین کشیده، پاره کردند. دقایقی بعد کاشی‌ها و ستون‌های یادبود حرم از اسم شخص اول زدوده شد. ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر مجسمه رضا پهلوی از میدان شاه پایین کشیده شد. این رویداد در میدان تقی‌آباد و بیمارستان شاه‌رضا رخ داد و اما خطبه شب عاشورا، صبح تاسوعا فکر کردم که چنین خطبه رسمی آن هم با یاد کرد شاه، متناسب جو انقلابی مشهد نیست. باید زمام امور را به دست بگیرم و موضوع باید پنهان می‌ماند، زیرا اگر آشکار می‌شد، درهای حرم را روی ما می‌بستند. موضوع تا ظهر، پایان راهپیمایی روز تاسوعا، مکتوم ماند. آقای واعظ طبسی که قطعنامه ۱۷ ماده‌ای روز تاسوعا را خواند، قطعنامه‌ای که در همه راهپیمایی‌های روز تاسوعا در شهرهای بزرگ و کوچک خوانده شد، خطاب به جمعیت گفت که مردم به‌طرف حرم بروید. قرار است امشب خطبه به نام [امام] خمینی خوانده شود. قرار است امشب [آقای سید علی خامنه‌ای به نام [امام] خمینی خطبه بخواند.»

با این اقدام انقلابی در حرم مطهر رضوی تابوی سنتی حکومت پهلوی در هم می‌شکند. این گونه‌است که در روز عاشورا تظاهرات عظیم مردم مشهد با سامان دهی و سخنرانی رهبر معظم انقلاب به حرم مطهر رضوی منتهی می‌شود. تظاهراتی که رسانه‌های وقت با عنوان «میلیونی» خیرش را منتشر می‌کنند.

علاوه بر این در بهمن ماه ۵۷ و آستانه ورود امام خمینی^(ع) از پاریس به ایران، جامعه روحانیت مبارز مشهد، در اعتراض به ممانعت دولت یختیار از بازگشت امام خمینی^(ع) به میهن، در تالار تشریفات و دارالزهد مبارکه حرم مطهر تحصن می‌کند. به‌تدریج و به دنبال این اقدام اقشار مختلف مردم همراه با دسته گل‌ها و پلاکاردهایی وارد حرم مطهر می‌شوند و همبستگی خود را با متحصنین اعلام می‌کنند. با ورود امام به کشور در ۱۲ بهمن ماه مردم مشهد همچنین جشن ورود زعیم عالی قدر جهان تشیع و رهبر کبیر انقلاب را نیز در حرم مطهر برگزار می‌کنند، در این روز از مقابل مدرسه نواب تا صحن امام خمینی^(ع) در حرم مطهر رضوی بین مردم نقل و شیرینی توزیع می‌شود و تحصن علما در صحن حرم مطهر نیز با شعار «صل علی محمد، رهبر ما خوش آمد» پایان می‌یابد.

شهریار

شنبه
۲۲ بهمن ۱۳۹۱
شماره ۲۸۸۲

۱۵
SHAHRAHNEWS.IR



تاریخ و هویت